

و سلم امیر المؤمنین علی را کرم الله وجهه بیمن فرستاد و کوفت لایق
 آنجا بود پس حضرت امیر آمد و از صفات رسول صلی الله علیه و آله
 استفسار نمود چون حضرت امیر شرح اخلاق و شایسته رسول صلی
 علیه و آله مشغول شد گفت بسم کرد حضرت امیر سبب بسم بر سبب
 کعب گفت سبب این صفات که ما در کتب قدیمه خود چنین یافته ایم
 پس تصدیق کرد ایمان آورد و بقدر طاقت احکام اسلام آنوقت
 و هم درین اقامت نمود و احکام اسلام ببرد همی آنوقت و در ایام
 خلافت امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه بدینته آمد و میگفت کاش
 در ایام هجرت آمده بودی تا شرف صحبت رسول صلی الله علیه و آله
 در یافتی در بعضی کتب چنین است اما مشهور است که اسلام کعب
 در شام بود در وقت خلافت امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه بر دست
 وی سعید بن مسیب رضی الله عنه گوید که در میان امیر المؤمنین عباس
 رضی الله عنه در زخم نشسته بود ناگاه کعب الجبار پیش وی آمد از وی پرسید
 که ترا چه مانع آمد که در عهدی صلی الله علیه و آله و سلم در وقت ابوبکر رضی الله عنه ایمان
 نیاوردی و در ایام عمر رضی الله عنه ایمان آوردی گفت بدین از برای

بسم الله الرحمن الرحیم

چیزی از تو تربت نوست و من داد که با من عمل میکنم و نوریت را بگرد
 و بر من سوگند داد که این مهر را نشکنی چون اسلام ظاهر شد و در و کعب
 از خبر چیزی مشاهده نکردم با خود گفتم شاید که بدین تو بعضی علمداران از تو بمانند
 داشته باشند هر چه در این است که در وی صفت محمد و امت و بر ایام
 اسلام و ایمان آوردم **و در آنجا است** که کم درین سال جز بر سرین صلی
 علی رضی الله عنه ازین بدینته آمد و اسلام آورد پس از آنکه بدینته
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم در میان خطبه خواندن نشسته بود که ازین مردی
 در جوابد آمد که بهترین و فاضلترین اهل این ماستند **و در آنجا است**
 که بر سرین سعید رضی الله عنه بر اسب صلی الله علیه و آله و سلم
 صلی الله علیه و آله دست مبارک بر سینه وی زد و همانکه از آن در
 وی بمانند و گفت اللهم نبته و جعله یا و یا محمد یا دیگر سرگز از سبب
 نقیض **و در آنجا است** که کم درین سال مقدسی بسوی رسول صلی الله علیه
 و آله آمد و اسلام آورد و در زید الطیل که سید قوم بود یا ایشان بود
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم و بر ازین بخش نام نهاد و در حق وی قسم بود که
 از غرب سرگز افضل پیش من یاد کرد چون دیدم شنیده اند و بدین